



ساحل خورشید
(دفتر ششم)

دیباچه و گردآوری:
امیر محمدنی حکیمی

www.ketab.ir

سرشناسه	: حکیمی ، محمد رضا ، ۱۳۱۴ .
عنوان و نام پدید آور	: ساحل خورشید (دفتر شعر) [شاعر محمدرضا حکیمی] /
مشخصات نشر	: دیپاچه و گردآوری امیر مهدی حکیمی .
مشخصات ظاهری	: تهران : انتشارات علمی - فرهنگی الحیاة ، ۱۳۹۰
شابک	: ۳۴۸ ص .
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۶-۳-۷
موضوع	: فیبا
رده بندی کنگره	: شعر فارسی - عربی - قرن ۱۴
رده بندی دیویی	: ۱۳۹۰ س ۱۹۷/۲۲/۰۲ PIRA
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱۶۱/۶۲
	: ۲۳۴۷۰۰۰

شناسنامه :

انتشارات علمی - فرهنگی الحیاة .

با کمک هزینه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اخوان دسئمالچی .

عنوان : ساحل خورشید (دفتر شعر) [شاعر : محمدرضا حکیمی]

دیپاچه و گردآوری : امیر مهدی حکیمی

نوبت چاپ : اول (۱۳۹۰)

شمارگان : ۲۵۰۰ نسخه

قیمت : ۵۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۶-۳-۷

ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۶-۳-۷

نشانی : شمیران ، مینی سیتی، شهرک شهید محلاتی، میدان امام

علی (ع) ، مجتمع تجاری لاله ها ، شماره ۷۵.

تلفن : ۲۲۴۶۲۲۵۲ - ۰۹۱۲-۲۸۳۹۰۴۳ - ۰۹۱۲-۱۲۱۵۵۱۶

فهرست

۱۱	دیباچه
۲۵	شعر فارسی
۲۷	غزل
۲۷	تشنه کام
۲۹	گل وحشی
۳۱	حاصل بی حاصلی
۳۳	نقش حرمان
۳۵	منت مهتاب
۳۹	چه سود؟
۴۱	اشتباه دل
۴۵	خانه زاد قفس
۴۷	حریفان
۵۱	آتش بیداد

۵۳	گستاخی بال و پر
۵۵	عید گلچین
۵۷	شیفته حالان
۶۱	افسانه
۶۵	... دگر هیچ
۶۹	مستی فرجام
۷۳	دل غافل
۷۷	کو؟؟؟
۸۱	قصیده
۸۱	گیتی
۸۵	رشد حکمت یونان
۹۱	راه نو
۹۵	فارانِ معارف
۱۰۱	طالع طوس
۱۰۹	نماند!
۱۱۵	بر فراز گنبد اهرام
۱۲۵	مرغ حق
۱۲۹	روزگار تحصیل
	مثنوی
۱۳۵	هست شو!
	رباعی
۱۴۵	طوسیّات

۱۵۱	بانوی حماسه ها (مدیحه -۱-)
۱۵۷	فجر صادق (مدیحه -۲-)
۱۹۱	جلوه زار طوس (مدیحه -۳-)
۱۹۷	اندوه بقیع (مرثیه -۱-)
۲۰۱	آزادگان اسیر (مرثیه -۲-)
۲۰۵	سوره توحید (مرثیه -۳-)
۲۰۹	دلیل راه
۲۱۳	منشور تشیع
۲۲۳	ای افتاب (توسل)
۲۴۵	وزن های نیمایی
۲۴۷	خورشید سازان
۲۵۵	در زاغه های شهر
۲۶۱	تلخک
۲۶۷	شعر عربی
۲۶۷	الوهیج
۲۷۹	نَمَاتُ الاشواق (مسمط رضوی)
۲۹۵	دُمُوعُ علی سفح (بدیعه مهدوی)
۳۱۱	قصیده مطرانیه
۳۱۷	قصیده تفکیکیه
۳۲۹	قصیده استادیه
۳۳۹	المنطقُ المنظوم

www.ketab.ir

دیس

سرانجام ، اصرار دوستان کار خود را کرد ، و استاد علامه ، با نشر مجموعه ای از سروده های خویش موافقت نمود ؛ و بدین گونه دفتر حاضر ، با نام «ساحل خورشید» به دست چاپ سپرده شد.

آن روزگاران ، و کیفیت تحصیلات و دانش طلبی از سویی ، و بهره یابی از حضور اساتیدی متبحر ، پرمایه و دلسوز و مربی از سویی دیگر ، شور و شوق دانش طلبی را در طلاب می افزود ، و این شعر خواجه طوسی را وصف حال آنان می ساخت :

احوال زندگی همه هیچ است پیش من
در خاطر از تغیر آن هیچ ترس نیست

روز تنعم و شب عیش و طرب مرا
غیر از شب مطالعه و روز درس نیست !

باری ، آنگونه درس ها و استادها ، از حکیمی جوان با ذوق - از

جمله در بُعد شعر و ادبیات شعری - شاعری چیره دست ساخت که نه تنها به زبان مادری شعر می سرود ، بلکه به زبان عربی نیز اثر می آفرید . نخستین شعر عربی استاد ، قصیده ای است با نام «قصیده استادیه» ، که در سن ۱۸ سالگی ، و پس از پایان دوران تحصیل در محضر ادیب نیشابوری ، و به پاس زحمات این استاد بزرگ سروده شده است . این قصیده ، بیانگر چگونگی تحصیل و دانش آندوزی استاد در آن روزگاران می باشد ، که چگونه طلبه ای جوان که پای از شهر خویش (مشهد) بیرون نگذاشته و با مراکز ادبی جهان عرب ارتباطی نداشته است ، چنان به زبان عربی شعر می سراید که مایه تعجب استاد بزرگ ادبیات در روزگار خویش می گردد .

«...این بنده ، به عنوان طلبه حوزه ادب و درس ادیب ، مانند دانشجویی که پایان نامه می گذراند ، قصیده ای ، در ثنا و ستایش استاد و مقام علمی و تربیتی او سرودم ، و نسخه آن سروده را ، شب نوروز سال ۱۳۳۳ شمسی ، بوسیله برادرم ، محمد حکیمی ، به منزل استاد فرستادم . صبح فردا که به دیدار نوروژی ، نزد ایشان رفتم ، و دیگران نیز می آمدند ، مورد تعبیر و تشویقی بزرگ قرار گرفتم . من در آن هنگام حدود ۱۸ سال داشتم ، و جز مشهد حوزه ای ندیده بودم ...^(۱) این چگونگی ، به علت طلبگی درست ، و حوزه های غنی ، و درس های بارور بود .^(۲)»

و من خود از استاد شنیدم که ادیب به ایشان می گویند : «من

۱- ← همین کتاب ، ص ۳۳۹-۳۴۰ .

۲- «یادنامه ادیب نیشابوری» ، ص ۱۴ - ۱۵ ؛ به اهتمام دکتر مهدی محقق ، چاپ مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل ، با همکاری دانشگاه تهران ، (۱۳۶۵ ش) .

نه معلومات شما را تا این اندازه می دانستم و نه ذوق شما را تا این حد...». نیز آنگاه که استاد، در آن نوروز سال ۱۳۳۳ از منزل استاد خود بیرون می آید، ادیب بزرگ، در وصف ایشان و قدرت شاعری شاگرد جوان خویش، به جمع حاضر از فاضلان و عالمان، به این مضمون می گویند: «حکیمی با اینکه از مشهد بیرون نرفته است، شعر عربی را اینگونه می سراید.»، سپس تعبیر می کنند: «مُتَنَبِّی^(۱) جوان»

این تعریف و توصیف، از زبان استاد بزرگ ادبیات عرب و بلاغت اسلامی، نشانگر جایگاه والای شعر عربی استاد است. ایشان چندین قصیده و مسقط به زبان عربی سروده اند، که در «بخش عربی» این مجموعه می آید.

در میان آثار عربی، قصیده بدیعیه^(۲) استاد، با نام «دُمُوعُ عَلٰی سَفْحِ» (اشکی بر دامنه کوهساری)، در وصف و ثنای حضرت ولّی عصر -عج- از نظر ساختار زبانی و قدرت شعری، خایز اهمیت است؛ و در مقایسه با دیگر بدیعیه های زبان عربی (که تمامی -جز یکی دو تا- سروده شاعران و استادان بزرگ عرب زبان می باشد)، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در این قصیده که چهل بیت است، صنعت بدیعی (به صورت «توریّه صناعی») به کار رفته است.

در همان روزگاران تحصیل و ایام جوانی، و در آن اوقات که حضرت استاد علامه، به تحصیل فلسفه مشغول بوده، و «شرح

۱- احمد بن حسین مُتَنَبِّی (م: ۲۵۴ ق)، شاعر بزرگ عرب، که در شعر به معنی توجه داشت، و با این وجود، الفاظ و اشعارش گاه ضرب المثل شده است. گفته اند، این شاعر بزرگ عرب، در شیخ اجل «سمدی» (م: ۶۹۱ ق)، تأثیر داشته است.

اشارات» شیخ الرئیس و «اسفار» جناب صدر المتألهین را، نزد عالم جامع بزرگ، متأله قرآنی، حضرت شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، (م: ۱۳۴۶ ش) فرا می گرفته است، به استقبال و تتبع قصیده «ورقائیه عینیّه» ابن سینا نیز قصیده ای عینیّه (با عنوان «الوهیج»^(۱))، در ۲۹ بیت می سراید. در این قصیده (که قدرت های زبانی و اوجهای تعبیری و عمقهای فلسفی در آن آشکار است)، به برخی از «اسرار نفس» که شیخ ابن سینا، در قصیده ورقائیه، درباره آنها سوالاتی مطرح کرده است، به زبان رمز، پاسخ داده شده است.

قصیده عینیّه استاد، موجب تحسین شماری از بزرگان علم و فلسفه و شعر و ادب قرار می گیرد، از جمله:

- علامه حائری سمّانی (م: ۱۳۵۰ ش)، مؤلف کتابهای بسیار، یکی کتاب گرانسنگ «حکمت بوعلی سینا» (در پنج جلد)، که در نقد فلسفی بیمانند است. علامه سمّانی خود نیز یکی از بزرگترین عربی سرایان فارسی زبان است. قصیده بدیعیه ایشان و قصیده نونیه وی، در ذکر مدایح نبوی (۲۵۰ بیت)، از شاهکارهای شعر عربی و ادبیات اسلامی است.

- استاد سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی (م: ۱۳۶۳ ش)، که بجز جنبه شعری (که خود استادی بزرگ در «سبک هندی» بود)، عالمی فاضل، و شاعری ذولسانین بود، و به فارسی و عربی شعر می سرود.

- استاد بزرگ، جناب بدیع الزمان فروزانفر (م: ۱۳۴۹ ش)، که تبخّر وی در ادبیات عربی و فارسی و شعر عرفانی، مورد تأیید و

۱- «الوهیج»: شمله سرکش. نیز: عطر دلاویز.

تصدیق «سخن و سخنوران» است .

استاد علامه حکیمی ، در تاریخ ادبیات ایران ، در شمار شاعران «ذولسانین» (دو زبانه) جای دارد ، یعنی شاعرانی فارسی زبان و فارسی تبار ، که هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی - در حدی استادانه - شعر گفته اند .^۱

از درس بلاغت مدار ادبیات آموز بزرگ ، ادیب نیشابوری (م : ۱۳۵۵ ش) و تاثیر آن بر شعر استاد که بگذریم ، باید به سراغ انجمن های ادبی مشهد رفت و تاثیر آنها بر شعر استاد :

- «انجمن ادبی فردوسی» ، که در منزل مرحوم عبدالعلی نگارنده (م : ۱۳۴۷ ش) ، هفته ای یک شب برپا می شد .

- «انجمن ادبی صائب» ، که در منزل استاد محمد قهرمان برپا می گشت ، و تا هم اکنون نیز ادامه دارد .

حضور پیگیر در این انجمنها ، و پاره ای دیگر از محافل شعری که دوستان شاعر استاد برگزار می کردند ، بقطع ، سبب رشد شعری و زبانی استاد بوده است . در آن روزگار انجمنهای ادبی مشهد ، و کیفیت پر بار آن نشست ها ، خود پرورش دهنده ذوق ادبی و قریحه شاعری شاعران مستعد بوده ، و خواندن اشعار استادان بزرگ شعر فارسی - از قدیم ترین روزگاران - و نقد های آگاهانه و استادانه ، موجب رشد همه گونه استعداد شعر شناسی ، و آگاهی از فن «نقد شعر» ، و پرهیز از ابتذال و بیمایگی در سخن می گشته است .

۱- مانند ابوالفتح بستی (م : ۴۰۱ ق) ، و ابوالحسن باختری (م : ۴۶۷ ق) ، و در این روزگار - از جمله - علامه حائری سمنانی .

«دیوان» هایی که از آن شاعران استاد به چاپ رسیده شاهدهی گویا بر این سخن است.^۱

شرکت مداوم و پرشور در این جلسات ، و خواندن اشعار و به نقد گذاشتن آنها ، همچنین نشست ها و گعده های ادبی دیگر ، که اشاره ای گذشت ، و در آنها به خواندن اشعار استادان شعر فارسی (شاهنامه ، دیوان حافظ ، دیوان مسعود سعد و ...) می پرداخته اند ، سبب گشت تا شعر فارسی استاد به اوج برسد .

تاثیر دیگر این نشست ها ، در نثر زیبای استاد آشکار است ، نثری آهنگین و پر صلابت ، و سرشار از تخیل و آرایه های ادبی ، که در بسیاری از موارد ، همنایه شعر نو بشمار می آید :

روی سطح برکه ای آرام ،
از کران دور دست دشت ،
از میان شاخه های بید ،
از کنار دامن افسرده نی ها .

۱- از جمله می توان یاد کرد از :

- «شرار اندیشه» . دیوان عبدالملی نگارنده (با مقدمه استاد) .
- «نغمه های قدسی» . دیوان غلامرضا قدسی طوسی .
- «گلشن کمال» . دیوان احمد کمال پور (کمال) .
- «زلال بقا» . دیوان علی باقر زاده (بقا) .
- «حاصل عمر» . دیوان محمد قهرمان .
- «افسانه ناتمام» . دیوان ذبیح الله صاحبکار (شهی) .
- «دیوان» . دکتر حسین امینی .
- «دیوان آگاهی» . مجموعه شعر محمد آگاهی .

کتاب «شعر امروز خراسان» را نیز می توان از آثار جنبی «انجمن ادبی فردوسی» . به شمار آورد . این کتاب شامل نمونه هایی از اشعار حدود ۶۰ شاعر ، از شاعران سده اخیر خراسان است ، تألیف م.آزرم (نعمت میرزا زاده) ، و م.بزرشک (دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی) . که با نظارت استاد محمد رضا حکیمی ، به چاپ رسیده است (انتشارات توس ، به مدیریت آقای محسن باقر زاده ، چاپخانه خراسان - مشهد ، ۱۳۴۲ ش) .

رنگ خونین شفق پیداست ...

رنگ این خون ،

از چه از این بر که می جوشد ؟

از چه این دشت غروب ، اینگونه خون آلود می باشد؟

این همان آشوبزا

هنگامه جاوید خورشید است .^۱

استاد ، در قالب های گوناگون شعری طبع آزموده اند و به شکل غزل ، قصیده ، مثنوی ، رباعی ، قطعه ، مُسمَط و اوزان نیمایی شعر سروده اند . از میان آثار ایشان چند تا از شعرهای استاد ، در مجموعه هایی تاکنون به چاپ رسیده است ، از جمله :

- «شعر امروز خراسان» (که در پانوشت صفحه ۱۸ شناسانده شد) .
- «صد سال شعر خراسان» (علی اکبر گلشن آزادی ، به کوشش احمد کمالپور (کمال) ، مشهد ، مرکز آفرینش های هنری آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۳) .

- «از پنجره های زندگانی ، برگزیده غزل امروز ایران» (محمد عظیمی ، انتشارات آگاه ، تهران ۱۳۷۷) .

آنچه در میان سروده های استاد علامه ، جای شگفتی بسیار دارد ، سروده های نیمایی استاد است ، آن هم در روزگاری که بسیاری از روشنفکران نیز حضور این قالب جدید شعری را بر نمی تافتند ، و هنوز هم در برخی از انجمن های ادبی نمی توان چنان شعری خواند ... و هم چنان ، مورد پذیرش برخی واقع نشده است ، اما در آن دوران ، طلبه ای جوان ، در مدرسه نواب مشهد ، به این

۱- «سرود جهشها» ، ص ۱۹ - ۲۰ ، چاپ یازدهم ، انتشارات دلیل ما ، قم (۱۳۸۳ ش) . این ، قطعه ای از نثر استاد است که بدینگونه می توان آن را بصورت شعر نو نیز نوشت و خواند .

قالب ها بسراید ، آن هم در سطحی بالا ! ... جالب توجه است .

«بسیار جالب بود ، که من به عنوان یک طلبهٔ مقیم حوزه و معمم ، «شعر نو» می سرودم . و از اوضاع روزگار و شرایط موجود و جاری ، با این سبک تازه ، سخن می گفتم . ولی ، بسیاری از کسانی که بظاهر «نو اندیش» بودند و قیافهٔ متجدد مآبانه هم داشتند ، و کراوات می زدند ، و در اداره ها و دانشگاه ها مشغول بودند ، با «شعر نو» میانه ای نداشتند و آن را به رسمیت نمی شناختند ...

آنها متوجه نبودند ، که با «نو» نباید در افتاد ، بلکه با آن باید کنار آمد ، و از آن بهره برد . «نو» ، «نو گرایی» ، و «نو آوری» ، خود به گونه ای از آثار توحیدی است (وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَوِّلُهَا بَيْنَ النَّاسِ ... ^۱ ما جهان را هر زمانی نو کنیم ...) .

در شعر نیمایی ، از جمله ، لطافت و قدرت زبانی شاعران به چشم می خورد ، و تنها اشعار نیمایی مرحوم مهدی اخوان ثالث ، دارای زبان پر صلابت و پر جوهره خراسانی است . این ویژگی را در چند شعر نیمایی استاد نیز می توان دید :

در غروب مرگزاد چشمهٔ خورشید ،

در ملال سرد چهر و خسته از بیداد مرگ روز ،

کز درون رود مغرب ، «خون خورشید» است جاری ، تا کبودی های

بی فرجام سرد آلود ،



و اسمان ، نقش سیاهی های خود را ، می دهد فرجام ،
می کشد بر بام .
و ز شب و آمیزه های خشمبار تیرگی های ستم بنیاد ،
می دهد پیغام .

این شعر ، انسان را به یاد طنین محکم شعر «امید» ، در شاهکار
شعری او (رمستان) می اندازد ، و یادگار آن زبان ، که مشترک است
در میان خراسانی ها .

غزل استاد نیز در جایگاهی بالا در شعر معاصر ایران قرار دارد ،
چنان که شاعر و شعر شناس ارجمند ، جناب آقای محمد عظیمی ، در
مجموعه «از پنجره های زندگانی» ، از میان غزلهای موجود از استاد ،
چند غزل را به عنوان نمونه های برتر غزل معاصر آورده است .

اکنون می توان چنین گفت که ، اگر چه شعر استاد از کمیت
بالایی برخوردار نیست ، و بخشی از آن به آب و آتش پیورده شده
است ، لیکن هر آنچه باقی مانده از کیفیت برجسته و والایی برخوردار
است .

حضرت علامه ، علاوه بر سرایش اشعاری چند ، در جای جای آثار
خویش ، نظریاتی پیرامون شعر و ادبیات و هنر اسلامی ارائه کرده ، و
راهگشای ادیبان و هنرمندان متعهد گشته اند ، و در تحلیل شعر
فارسی ، در ادواری چند - بر حسب تقسیم خود ایشان - نکته هایی
مهم آورده اند ، که به عنوان های برخی اشاره می کنیم :

تحقیقاتی درباره «شعر فارسی»

در این مقدمه ، مناسب است به بحثها و تحقیقاتی اشاره کنیم ، تحقیقاتی از خود استاد علامه ، درباره «شعر» ، و «شعر فارسی» ، و «شعر مذهبی» ، تا خوانندگان اهل شعر و ادبیات و علاقمندان به اینگونه بحثها و پژوهشها ، به آن نوشتارها رجوع کنند :

۱- «شعر و هنر اسلامی» .

۲- «شعر در اسلام» .

۳- «غنائی شعر اسلامی» .

۴- «ترجمه و نشر شعر اسلامی ، به زبانهای غربی» .

۵- «تأثیر شعر اسلامی در ادبیات و شاعران جهان غرب» .

- «دانش مسلمین» -

(چاپ هفدهم - انتشارات دلیل ما ، قم ۱۳۸۹ ش) .

۶- «شعر متعهد» .

- «ادبیات و تعهد در اسلام» -

(چاپ پانزدهم ، انتشارات دلیل ما ، قم ۱۳۸۹ ش) .

۷- «شعر و آفاق تعهد» .

- کتاب «استاد مهرداد اوستا»

(ویژه نامه تاریخ و فرهنگ معاصر ، شماره ۴ ، به کوشش

محمد حسین رحمانی ، نشر «مرکز بررسیهای اسلامی» ،

به اهتمام حجت الاسلام ، سید هادی خسرو شاهی ،

قم - ۱۳۷۳ ش) .

۸- «شرار اندیشه» (مقدمه)

(دیوان عبدالملکی نگارنده ، چاپ مشهد ،

کتابفروشی باستان - ۱۳۴۴ ش) .



استاد خود اظهار می دارند :

«سروده های این ناتوان ، ره آوردی است از شعر و نظم ،
در آفاقی متفاوت ، به زبان فارسی و عربی ، در قالب هایی
چند ، و گراینده به تعهد (هنر برای مردم ...)» .

ایشکه در حدیث آمده است که برخی از اشعار حکمت
است ، بیشتر بیشتر ، ناظر به . «نظم» است (البته نظم
عالی ...) ، تا شعر اصطلاحی ، که نمی تواند از حوزه خیال و
تخیل ، بدور باشد!

«حکمت» ، از تأمل است (نظم) ، و شعر از تخیل (شعر) ...
وزن برای نظم ، پیرایه است ؛ و برای شعر ، آرایه ...» .



در پایان مقدمه ، به چهار نکته اشاره می کنیم :

(۱) - علامه حکیمی ، در سرودن اشعار خویش ، و در دنیای
شعر و شاعری نیز ، در مناسبت هایی از یادآوری دو اصل بنیادین ، در
اعتقادات و باورهای شیعی ، و تأکید بر اهمیت انسانی ، مردمی و
اجتماعی آن دو اصل - افزودن بر اهمیت الهی و ایمانی - غفلت
نورزیده اند ، یعنی :

- «توحید» ،

- «عدل» .

و از این آرمان والا - آرمانی اسلامی و انسانی - فاصله نگرفته
اند . از اینرو می بینیم که دغدغه های مردمی ، و برتافتن ستم

و تاریکی ... و پرخاش در برابر محرومیت محرومان و مظلومیت مظلومان ، و نفی ستمگستری ستمگران ... و تنزیه ساخت دین خدا ، از سوء استفاده از نام دین ، و از پذیرفتن هر چگونگی زیر نام مقدسات ، در آثار شعری ایشان نیز - به صراحت تمام - بازتاب دارد :

«انتظار روز را می دار !

روز را فریاد کن ، فریاد !

و به هر جا می رسی ،

برخوان سرود «دولت خورشید تابانی» ،

با دلی پندار !» .

(۲) - بنا بر آنچه یاد شد ، محتوای این دیوان ، با بسیاری از دیوان ها و مجموعه های دیگر متفاوت است .

(۳) - برخی از سروده های این مجموعه را - بنابر اقتضا - بصورتی مستقل آوردیم ؛ و تقسیمات مجموعه را ، و عنوان هایی مانند «غزل» ، یا «قصیده» را ، در نظر نگرفتیم .

(۴) - در این گردآوری ، استاد خود ، برخی از ابیات را ، از پاره ای از اشعار - به رعایت تلخیص - حذف کردند .